



تحلیل و بررسی زیبایی‌شناسی معماری و شهرسازی در طراحی ایرانی-اسلامی

مهیار مددخانی^{1*} . محمد مهدی قاسمی نافچی²

*1- کارشناس ارشد، پژوهشگر معماری؛ ایران- البرز؛ Mahyar.madadkhani@yahoo.com

2- دانشجوی کارشناسی ارشد، طراحی شهری، دانشگاه علوم تحقیقات تهران؛ ایران- شهرکرد Mohamad_mahdi71@yahoo.com

چکیده

زیبایی معماری ایرانی-اسلامی یکی از عواملی است که باعث ماندگاری آن در جهان هنر شده است. شناخت بنیان‌های چنین زیبایی‌هایی ارزیابی از معماری را هموار کرده و برای این ارزیابی، معیارهای مناسبی به دست می‌دهد. درک زیبایی معماری ایران برای همگان مقدور است، چرا که معماری ایران هنری کاربردی بوده و استفاده روزمره از آن، این هنر را با زندگی مردم عجین ساخته است. زیبایی نمودی از پدیده است که پس از ادراک توسط حواس و انتقال به مرکز اندیشه یا مشاهده ادراک‌کننده، واکنشهایی مبتنی بر تجربه‌های اندوخته شده را در مخاطب برمی‌انگیزد. بحث پیرامون مسائل زیباشناختی معماری صرفاً یک بحث فلسفی، تئوری و مبتنی بر فرضیه‌هایی می‌باشد که از دیدن آثار به جای مانده حاصل شده است. در این مقاله سعی شده است با استفاده از روش تحلیلی، توصیفی و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای به این سوال پاسخ داده شود که آیا معماری ایران مبانی زیبایی‌شناسی دارد و این مبانی چگونه تبیین و تعریف می‌شود. در نتیجه‌گیری ضمن صحت گذاشتن بر این سوال در می‌یابیم که زیبایی معماری ایرانی-اسلامی قابل تقسیم‌بندی به زیبایی‌های ظاهری (نمادین) و باطنی (هویتی) است که در حوزه ظاهری به عواملی مانند نور و رنگ و در حوزه باطنی به عواملی مانند مذهب و فرهنگ تقسیم می‌شود. مهمترین اصل در زیباشناسی ایرانی-اسلامی این است که همه چیز در عالم مظهری از زیبایی خداوند متعال است و جهان جلوه‌های از ذات اوست.

واژه‌های کلیدی: زیبایی‌شناسی، ایرانی، اسلامی، معماری



1. مقدمه

زیبایی جاذبه ای است بی پایان ، که هنر نقطه ارتباط بین آن و انسان است . درک زیبایی موهبتی است الهی و پایگاهی ذهنی که به عینیت می انجامد و هنر بدون آن کالبدی بی روح و خالی از جاذبه است . معماری در جهان اسلام یکی از بزرگترین جلوه های ظهور یک حقیقت هنری در کالبد مادی بشمار می رود. از لحاظ تاریخی معماری اولین هنری بشمار می آید که توانست خود را با مفاهیم اسلامی سازگار نموده، از طرف مسلمانان مورد استقبال قرار گیرد. در تاریخ معماری جهان قابل بازشناسی است. در یک نگاه جامع نگر معماری ایرانی-اسلامی بعنوان یکی از موفق ترین شیوه های معماری می توان پیوستاری ارزشمند و پویا را در بناهای اسلامی باز شناسی کرد که موجب شده تمامی آنها در قالبی واحد با عنوان معماری ایرانی-اسلامی در کنار یکدیگر قرار گیرند زیبایی در معماری اسلامی علاوه بر زیبایی، القای مفاهیمی چون نظم و وحدت وجودی است که در قالب نقوش هندسی و انتزاعی مانند اسلیمی ها، رنگ های خالص و درخشان طلایی و خوشنویسی و کتیبه نگاری آیات قرآنی دیده می شود. ساده انگارانه می نماید این فرضیه که آیین اسلام بنا بر دستورات خود مبنی بر نهی از شمایل نگاری و مجسمه سازی، موجب رکود هنری و زیبایی شده است. عکس این قضیه را با نگاهی اجمالی به تاریخ فرهنگ و هنر اسلامی که در طول 14 قرن گذشته خود را در نظر جهانیان به اثبات رسانیده است، می توان دریافت اسلام مسلمانان را از شمایل نگاری و مجسمه سازی نهی کرده است اما خدای اسلام، خدایی است زیبا و زیبایی را دوست دارد چرا که خالق زیبایی است و صرفاً مفهوم زیبایی است که در نظر اسلام معنایی دیگرگونه دارد لذا هنرمند مسلمان با تمرکز بر مفاهیمی چون هندسه و انتزاع که به ترتیب نماد نظم الهی در خلقت هستی و قدرت درک و تصور بشر زمینی برای مفاهیمی غیر زمینی است، آثاری را خلق کرده است که مهم ترین وجه تمایز آن با سایر فرهنگ ها و تمدن ها به خصوص تمدن های غربی همانا ابراز و انتقال مفاهیمی متفاوت و الهی است که همواره نزد ابنا بشر در دوران های تاریخی وجود داشته است که در این مقاله به بررسی فضای مثبت و منفی، اصل قرینگی، تجریدی و انتزاعی بودن، بی زمانی، غیرمادی بودن تناسب و تنوع ترکیب، بافت، توازن، آرامش، وحدت، نور، رنگ، ظرافت روحانی و جاودانگی می باشد و همچنین معیارهای زیباشناسی در معماری ایرانی-اسلامی می باشد. هدف زیباشناسی توضیح چستی زیبایی و نحوه ی درک یکی از رشته های فلسفه شناسی یا حسیک زیبایی ما از آن و نیز تحلیل سطوح و گونه ها آن است. همچنین شاید توصیه برای زیبا سازی هم بتواند جزء مباحث ان قلمداد شود [1].

سوال اصلی در این پژوهش این است که آیا معماری ایرانی-اسلامی دارای مبانی زیبایی شناختی است و نقش و عملکرد هویت و نماد در زیبایی معماری چیست ؟

1-1. اهداف پژوهش

1. شناخت و تبیین امر زیبایی به عنوان یک سرمایه اصیل با ریشه های اسلامی و ایرانی
2. بازشناسی عوامل موثر در زیباسازی معماری
3. بررسی تاثیر بخشی و کاربرد هویت و نماد ایرانی ، اسلامی در امر زیبایی معماری

1-2. روش پژوهش

ماهیت روش مورد استفاده در این پژوهش بر مبنای روش تحلیلی ، توصیفی است که هدف از آن روشن نمودن پدیده زیبایی در معماری بر اساس نگاه پژوهشگر به پدیده زیبایی است.



1-3. پیشینه پژوهش

زیبایی شناسی معماری در آغاز شناختی تجربی یا عملی بود ولی به تدریج به دانشی نظری مبدل گردید و سرانجام در سده هجدهم به صورت یکی از مباحث فلسفه در آمد. فلسفه زیبایی معماری در مراحل نخستین خود از موضوعات فلسفه ماوراء طبیعت و فلسفه اخلاق جدا نبود. در ادامه به معماری به عنوان پدیده و اثری چهار بعدی همچون هنری کامل و جامع که کلیه شئون، احوال و حالات انسانی را در بر می گیرد نگاه شد در واقع معماری به واسطه زیبایی پلی بین گذشته، حال و آینده تمدن های بشری است.

1-4. فرضیات پژوهش

مسئله اصلی تحقیق بر اساس جایگاه زیبایی در معماری شکل می گیرد به گونه ای که بازتاب های زیادی را در پی دارد از جمله:

1. از زیبایی در دوره های مختلف معماری برای مفهوم و شکل دهی به فضای معماری استفاده شده است.
2. گذر زمان و پیشرفت در جایگاه زیبایی شناسی در معماری موثر بوده است.
3. کاربرد عناصر و ویژگی های زیبایی معماری غالباً برای خلق معنا و نوعی اصالت و هویت است.
- 4.

2. مفهوم زیبایی و زیبایی شناسی

زیبا از مصدر زبیدن دارای معانی همچون زبینه، شایسته، نیکو، جمیل، خوش نما و آراسته است و زیبایی نیز یعنی حالت و کیفیت زیبا که عبارت است از نظم و هماهنگی که همراه عظمت و پاکی، در شیء وجود دارد و عقل، تخیل و تمایلات عالی انسانی را به تحسین وادارد. لذت و انبساط پدید آوردن آن امری نسبی است [2]. نوعاً زیبایی را قابل ادراک اما غیر قابل تعریف می دانند [3]. در عین حال از گذشته تا حال تعریف هایی از زیبایی ارائه شده است و عده ای در صدد شناساندن آن بوده اند. هربرت رید می نویسد: دوازده تعریف رایج درباره زیبایی وجود دارد، اما آن تعریف جسمانی محضی که من مطرح کردم که زیبایی عبارت است از وحدت روابط صوری در ادراک حسی ما یگانه تعریف اساسی است. بنا به تعریفی دیگر: زیبایی یک هماهنگی و هارمونی است که لذات ما را در یک خط سیر معین متشکل می کند و سبب اندیشه زیبایی می گردد [3]. علامه جعفری زیبایی را چنین تعریف می کند: نمود یا پرده ای نگارین و شفاف که روی کمال کشیده شده است. وی این نظریه را جامع ترین نظریات در باب زیبایی می داند و از آن چنین نتیجه می گیرد که با دقت در یک اثر زیبای خلقت، در عین آن که حس زیبایی جویی انسان اشباع می شود، به دریافت کمال نیز نائل می گردد [4].

مطالعات فلسفی و زیبایی درباره زیبایی، دانش زیبایی شناسی را به وجود آورده است. بر این اساس آن را چنین می توان تعریف کرد که: زیبایی شناسی شاخه ای از فلسفه است که با طبیعت و داوری درباره آن سر و کار دارد. یا گستره ای از دانشی است که با توصیف پدیده های هنری و تجربه زیبایی شناختی و تفسیر آن سر و کار دارد [5]. زیبایی شناسی جدید از فلسفه و هنر یونان سرچشمه می گیرد و در قرن 18 میلادی به عنوان دانشی مستقل پدیدار شد، از آن زمان تا کنون رشدی بسیار نموده است و شاخه های متنوعی را در خود جای داده است و مباحث و نظریات گوناگون را عرضه داشته است [6].

3. قوانین عام زیبایی شناسی

بورکهاست معتقد است که چیزی زیباست که با کمترین علامات ممکن، بیشترین نظم ممکن را عرضه کند؛ اما زیبایی تنها از طریق نظم و قاعده به دست نمی آید، بلکه نتیجه دو صفت متضاد است که هر دو به یک اندازه ضروری هستند هنر موفق، هنری است که مکالمه ای دوجانبه با ذهن به وجود آورد، چالشهای ذهنی به وجود آورد و بازتابهایی ایجاد کند. این رابطه معمولاً از تجزیه و تحلیل



ناکامل نیروهای موثر، حاصل میشود. ترکیبی که کاملاً هماهنگ و وحدت یافته باشد، ترکیبی را خسته کننده خواهد بود. هنرمند موفق کسی است که احساس نظم و وابستگی را القا کند و در همان حال چیزهای غیر منتظره‌تر اثر خود وارد سازد [7].

4. زیبایی شناسی و اسلام

در میان مسلمانان اصالت و حقانیت با زیبایی الهی و معنوی است. زیبایی ظاهری عموماً زینت نامیده می‌شود. غزالی بر این اعتقاد است که عالم، عالم حسن و جمال است و اصل حسن و جمال تناسب است و هر متناسب است. مطالعه آثار عرفای مسلمان حکایت از آن دارد که زیبایی خالق عشق است و عشق ثمره تماس با زیبایی که عشق باید هادی انسان به کمال باشد، اگر چنین نشد نه آن عشق، عشق است و نه آن زیبایی، زیبایی است، بلکه هر دو مجازی از عشق و زیبایی اند. بر این اساس زیبایی با معنویت ارتباطی نمادین و غیر قابل برگشت دارند. به این معنی که اگر چه مراتب مختلف زیبایی با موضوعاتی همچون هنر، معماری، شعر و ... همراه و گاهی مترادف است، اما عالی‌ترین مرتبه زیبایی مرتبه ای است که با معنویت همراه باشد [4] (شکل 1)



شکل 1: میدان و مسجد امام اصفهان، نمونه‌ای از بروز معنویت در معماری [8]

زیبایی هنر اسلامی به چیزی مافوق عالم ماده توجه دارد و هدف آن بیان وحدت است. هنرمند مسلمان وحدت را در کمال صورت و شکل هنر دینی جستجو می‌کند. هنر اسلامی هنر غیر واقع‌گراست که توجهی به ظاهر عین طبیعت ندارد. هنرمند مسلمان می‌کوشد تا از سد طبیعت ظاهر گذر کند و جهانی فراخاکی را به تصویر درآورد [9].
برخی از عوامل اصلی تاثیر گذار بر شکل‌گیری و ظهور را در جدول زیر می‌توان مشاهده نمود



جدول 1: برخی از عوامل موثر بر ادراک زیبایی شناسی معماری (منبع نگارنده)

نور	ظاهری	عوامل زیبایی شناسی
رنگ		
ابعاد		
سازه		
مذهب	هویتی	
فرهنگ		

5. جایگاه زیبایی شناسی در معماری

هر اثر شاخص و برجسته و ماندگار در تاریخ هنر بدون داشتن شاخصه های زیبایی نتوانسته جایگاهی والا و مقامی با حرمت و اعتبار کسب کند. در این بین معماری است که به عنوان اثری چهار بعدی تمام شئون زندگی را در بر می گیرد. سایر هنرها به صورت مقطعی و در ابعاد محدودتر، جنبه های زندگی و موجودیت انسانی را متجلی می سازد، و با زبان خاص خود آن را معرفی می کنند. در صورتی که به دلیل چند وجهی بودن ذات معماری، جوانب گوناگون از زندگی انسان به صورت موازی با یکدیگر مطرح می گردد. انسان از زمانی که به معماری مبادرت ورزیده به نیازهای روحی و باطنی و حس زیبایی شناختی نیز توجه داشته است. به عنوان مثال نخستین نمونه های سکونت برقراری چنین نسبیتی را نشان می دهد. شناخت و درک جایگاه زیبایی در معماری به دو بخش تقسیم می شود [10]

جدول 2: شناخت و درک جایگاه زیبایی در معماری (منبع نگارنده)

نیازمند دانش نظری معماری و زیبایی شناسی و قدرت نقد و ارزشیابی	کمیت
به نسبت استعداد روحی و معنوی	کیفیت

کشش و جذب انسان به زیبایی در قلمرو معماری، به خاطر سنخیتی است که او با ذات زیبایی دارد، زیرا خود از جنس زیبایی است و به همین خاطر معماری را در زیبایی و زیبایی را در معماری یافته است.



6. عوامل موثر بر ادراک زیبایی شناسی معماری ایرانی-اسلامی

با توجه به جمیع جهات مربوط به انواع و مراتب زیبایی عوامل و عناصر متنوعی را می‌توان به عنوان نشانه‌های زیبایی شناختی معماری نام برد. مولفه‌های زیبایی شناختی معماری ایرانی-اسلامی در دو گروه اصلی نماد و هویت قابل تقسیم بندی هستند، که البته نام گذاری‌های دیگری از جمله: ظاهر و باطن، پیدا و پنهان، کالبدی و معنایی، عینی و ذهنی را میتوان برای این دو گروه برگزید. در گروه اول می‌توان از نور، رنگ، ابعاد و سازه و ... نام برد و در گروه دوم موضوعاتی مانند فرهنگ و مذهب قابل ذکر هستند [10]

6-1- عوامل ظاهری موثر بر زیبایی شناسی معماری ایرانی-اسلامی

6-1-1- نور

نور جلوه خداوند است که حضورش در معماری ایران از جمله در خانه‌ها و مساجد تجلی می‌یابد. تجلی ماهیت وجودی نور بر بنا، آن را اصلی‌ترین محور زیبایی شناسی معماری ایران در عرفان و معنا قرار داده است. معماری ایران با استفاده از عناصر ساده نوآوری‌های بدیعی را از نظر فضا و زیبایی به وجود آورده است. در بناهای سنتی با تغییر مصالح و وضعیت بازشوها به زیبایی و اهمیت فضا می‌افزودند [11]. به طور مثال نور از میان مشبک‌های چوبی و شیشه‌های رنگی عبور می‌کند و نقوش و رنگ‌های متنوعی را بر روی سطوح نمودار می‌سازد (شکل 2)



شکل 2: خانه مسکونی، نمونه‌ای از استفاده از نور در معماری [12]

6-1-2- رنگ

از ویژگی‌های بارز زیبایی در معماری، رنگ و نحوه کاربرد آن در معماری است. در معماری ایران با استفاده از کاشی‌های رنگارنگ در روی سطوح دیوارها و گنبدها سعی می‌شود مواد ساختمانی سنگینی و خشونت خود را از دست بدهند و به سطوحی شفاف و موادی بی‌وزن تبدیل شوند و بر تاثیر انواع نقوش بیفزایند (شکل 3)



شکل 3: مسجد جمکران، نمونه ای از استفاده از رنگ در معماری [13]

نور و رنگ در معماری ایرانی-اسلامی از جمله عوامل ظاهری در زیبایی معماری هستند که ریشه عمیقی در عوامل باطنی آن دارند . این که چرا نور در معماری ایرانی-اسلامی با معنویت همگون شده و ارزش دو چندان پیدا نموده است ، به چند دلیل می باشد :

1. نور در معماری ایران نمادی از حرکت به سمت حقیقت است که حس معنوی از عالم بالا را نشان می دهد.
 2. بینش اسلامی ، اعتقاد و ایمان به عالم ماورا طبیعه سبب شده است که وجود نور را در بنا بتوان دید . مانند این که نور از آسمان به زمین نزول نموده است.
 3. چهار ویژگی سیالیت و روشنایی ، نور و فضای مجازی ، وحدت در کثرت و روشنایی و گشایش همواره در معماری ایران بوده است و حکم روح بنا را ایفا می نمود . اندیشه اسلامی به معمار کمک می کند که فضای معنوی را از طریق ایجاد نور و سایه به وجود آورد.
- معماری ایرانی نور را با ظرافت خاص به زیبایی تبدیل کرده است . معمار این زیبایی را با نمودهای مختلف چه به صورت ظاهری و نمادین و چه به صورت هویتی در عناصر مختلف خود ارائه داده است. از جمله آن در صورت نمادین می توان به نمایش نقوش و رنگ های شیشه های رنگی در حوض و داخل بنا و بعد معنایی و هویتی به وارد کردن اشعه ای از نور در تاریکی مطلق که جلوه ای از حضور حق ارائه می دهد نام برد .

3-1-6 ابعاد

در حوزه بررسی تاثیر ابعاد در زیباشناسی معماری ایران چند نکته قابل بررسی است:

1. ابعاد متناسب با نوع کاربری مکان و درجه اهمیت و ارزش آن تعیین می شود مانند مساجد ایرانی یا قسمت پذیرایی در خانه ها.
2. دقت در تعیین ابعاد دقیق چرا که معماری ایران اثری چند بعدی است که با سایر هنر ها در ارتباط است به عنوان مثال می توان به تاثیر ابعاد فرش در اندازه فضاها اشاره نمود.



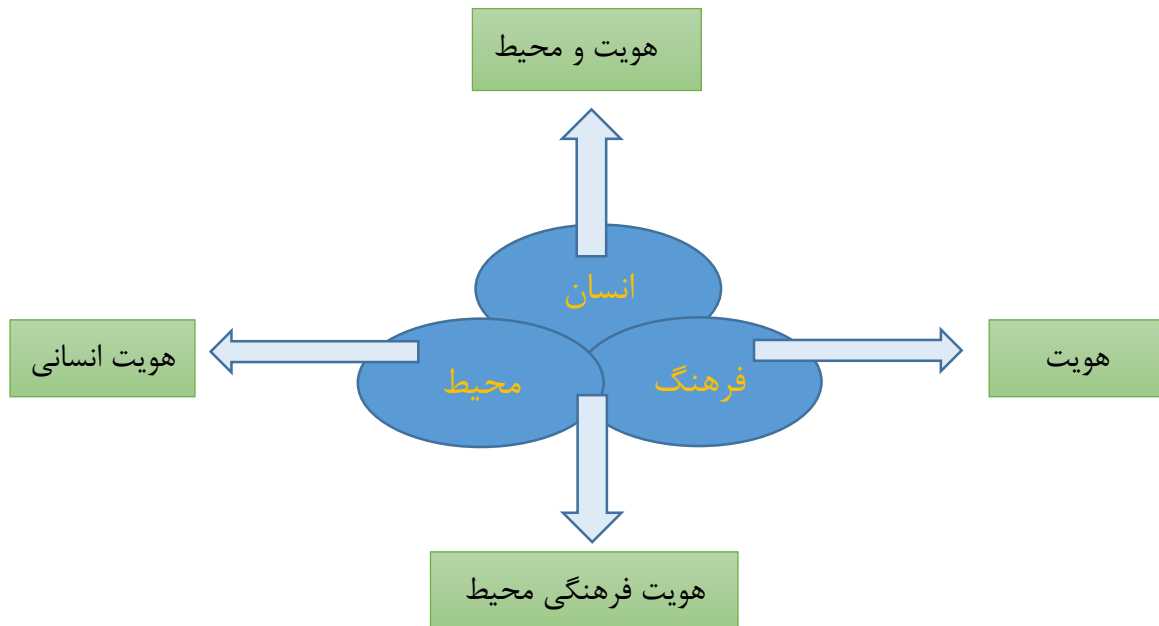
4-1-6.سازه

سازه در معماری می تواند واجد صفاتی باشد که کیفیت فضای معماری را افزایش دهد. از جمله موارد استفاده از آن در معماری ایرانی-اسلامی می توان به گنبد و شکل ساختاری آن اشاره کرد. این امر در معماری معاصر به دلیل پیشرفت تکنولوژی و معرفی سازه های جدید بیشتر مشاهده می شود. طراح به وسیله خلاقیتی که در سازه به وجود می آورد، زیبایی سازه را افزایش داده و به دلیل زبان بیانی خاص هر سازه و فرم شکلی آن صداقت در اثر معماری نیز افزایش پیدا می کند. در طرح هایی که سازه نقش ساختاری در زیباشناختی آن اثر دارد نکاتی مانند: یکپارچگی سازه و معماری، توجه به الگوهای بوم شناختی، توجه اقتصادی و فرهنگی و همچنین همگونی عملکرد و نوع سازه دیده می شوند [14].

2-6. عوامل هویتی موثر بر زیبایی شناسی معماری ایرانی-اسلامی

1-2-6. هویت

در یک تعبیر زیبا چنین آمده است هویت گوهری است که من با آن منم و زنده ام. این گوهر را چه فرد و چه جامعه در یک بستر تاریخی به دست آورده اند. علوم و فنون، مهارت ها، اندیشه ها و تجارب با ارزش سودمندی که از دیگران می گیرند، در تحلیل نهایی از اجزای هویت ما خواهند شد و رمز و راز بقای ما در همین است. مروری بر معانی واژه هویت حاکی از جایگاه والا، ارزشمند و معنوی این لغت است. اولین معنای مذکور برای هویت ذات باری تعالی و معنای بعدی آن هستی و وجود است [2]. مرحوم دهخدا نیز در معانی هویت آورده است: هویت گاه بر وجود خارجی اطلاق می گردد و گاه بر ماهیت داخلی اطلاق می گردد که عبارت است از حقیقت جزئیة [15] فرهنگ و محیط، هویت ساز زندگی انسان می باشند به نحوی که هر کدام نقش اساسی در تشکیل هویت بر عهده دارند، از دیگر سو می توان دید که فصل مشترک هویت انسانی محیط و هویت فرهنگی انسان، هویت محیط را تشکیل می دهند (نمودار 2)



نمودار 1: ارتباط انسان، فرهنگ، محیط معماری و نسبت آن با هویت [16]



از مذهب و فرهنگ به عنوان دو عامل هویتی زیبایی معماری می توان نام برد :

6-2-2. مذهب و فرهنگ

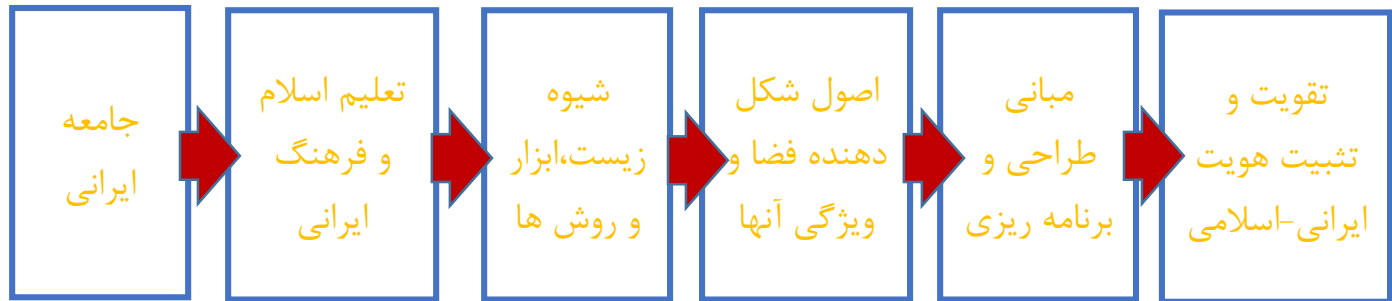
فرهنگها مظاهر گوناگونی دارند. به رغم تفاوت‌های ظاهری، مظاهر فرهنگ دارای شباهت‌هایی انکارناپذیرند این امر به واسطه هویتی مشترکی است که آن‌ها دارند. به طور مثال شباهت قالی بافی و معماری ایرانی-اسلامی بسیار آشکار است.

پس در سایر مظاهر این فرهنگ نیز معانی عمیقی نهفته است و معماری در این فرهنگ حاوی معانی باطنی است. به خصوص اینکه در ایران خرده فرهنگهای بسیاری وجود دارد و مردم از موارث تاریخی زیاد و متنوعی برخوردارند. اما این تنوع و تفاوت‌های آن دارای محتوای درونی مشترکی است که همه آنها را تحت یک مجموعه کلی به نام هویت ساماندهی می کند. در پشت هر فرم یک مفهوم و محتوای درونی نهفته است. از این دیدگاه انسان به مثابه فردی دیده می شود که برای بیان محتوای درونی خویش به اشکال و کالبدهایی بیرونی روی می آورد. و از آنها برای به تصویر کشیدن آنچه که در باطن دارد، مدد می جوید. این مفاهیم دچار تحولاتی زودگذر نمی گردند اما هر تمدن انسانی در هر زمان و مکان جهت اصلاح و تکامل دیدگاه‌هایش، مسیری تازه همسو با اهداف و چشم اندازهای بنیادین هویتی جامعه از خویش ارائه می دهد [17].

به طور مثال دکتر پیرنیا شیوه های معماری ایرانی را به دو دوره قبل از اسلام و چهار دوره بعد از اسلام تقسیم می کند و علیرغم تفاوت‌هایی که در فرم و محتوای هر یک از شیوه ها با دیگری مشاهده می شود، همگی آنها را تحت پنج عامل مشترک (خودبستگی، مردم‌داری، پرهیز از بیهودگی، درونگرایی و نیارش) قلمداد می کند.

به عنوان مثال اگر بناها و فرم‌های عظیم الجثه معماری پارتی را با حجم‌های ساده معماری خراسانی مقایسه کنیم شباهتی بین آنها دیده نمی شود، اما هر دو در پی بیان جایگاه برتر انسان بر زمین بوده اند. در صورتی که هر کدام روایت خاص خود را داشتند. هر دو در پی آن بودند که بگویند انسان مقامی فراتر از موجودات و پدیده‌ها یا طرف خویش دارد. در معماری پارتی این تفکر با عظمت‌گرایی بیرونی و در معماری خراسانی با عظمت‌گرایی درونی بیان شده است. حجم‌های سنگین با تناسبات غول آسا نظیر ایوان‌های مدائن تبلور عینی و کالبدی از تسلط و سیطره انسان به اطرافش به شمار می آمده و همین ایده در قرون اولیه اسلامی با کاستن از جرم و ماده و افزودن به غنا و فضای یک معماری بیانگر دیدگاه است. آن‌ها که معماری را بر آورنده احتیاجات مادی بشر فرض می کنند، معنا داشتن عناصر معماری را به منزله انکار فواید مادی نمی دانند و بالعکس [18]

به طور مثال آن‌ها که مناره را برای راه حل سازه‌ای رانش طاق می دانند، نماد معنوی بودن آنرا انکار نمی کنند. و به نظر آنان این دو فرض جمع نشدنی است که یک مناره هم مقصود سازه‌ای را بر آورده سازد و هم متضمن معنا باشد. پس از منظر مذهب هر چیز ظاهر و باطنی دارد که گرچه متفاوت اند اما منفک نیستند. ظاهر بدون باطن وجود ندارد و باطن بدون ظاهر، ظهور ندارد. معمار مومن وقتی به عالم مینگرد پیوسته‌ها ز ظاهر آن به باطن سیر می کند و این سیر عبادت است. بالطبع چنین رفتاری در کار هنری او هم دیده می شود. این سیر از ظاهر به باطن هم در عمل و هم در اثر هنری او متجلی می شود. هنرمند در حین کار با ماده و تغییر شکل مادی آن سعی می کند، آن را به صورت باطنی اش نزدیک کند. به همین علت این کیفیت در مخاطب او هم اثر می گذارد. چنین سیری در معماری به علت این که وجود مادی منحصر به ماده‌ای که اثر هنری با آن پدید می آید نیست دشوارتر است. از طراح انتظار می رود در درجه اول عملکرد مناسبی داشته باشد. این کارکرد با مواد و مصالح و با توجه به محدودیت‌های فنی و اقتضات محیطی بر آورده می شود. (نمودار 3)



نمودار 2: نقش دین و مذهب در بروز هویت ایرانی-اسلامی (منبع نگارنده)

7. نتیجه گیری

زیبایی هنر اسلامی به چیزی مافوق عالم ماده توجه دارد و هدف آن بیان وحدت است. هنرمند مسلمان وحدت را در کمال صورت و شکل هنر دینی جستجو می‌کند. هنر اسلامی هنر غیر واقع‌گراست که توجهی به ظاهر عین طبیعت ندارد. هنرمند مسلمان می‌کوشد تا از سد طبیعت ظاهر گذر کند و جهانی فراخاکی را به تصویر درآورد. برای ساخت بناهای مذهبی و غیر مذهبی می‌بایستی از علائم هندسی و ریاضی و طراحی استفاده کنند تا نظم و زیبایی آن را به تصویر کشند. زیبایی معماری در اصل استفاده خلاقانه از توده، فضا، بافت، نور، سایه، مصالح، برنامه و عناصر برنامه ریزی مانند هزینه، ساخت و فناوری است به منظور دستیابی به اهداف زیباشناختی، عملکردی و اغلب هنری. این تعریف، معماری راز طراحی مهندسی که استفاده خلاقانه از مصالح و فرمها با بهره‌گیری از ریاضیات و قواعد علمی است، متمایز می‌کند در نتیجه زیباشناسی اسلامی چیزی فراتر از یک پوشش و تزئین صرف می‌باشد. مهمترین اصل در زیباشناسی ایرانی-اسلامی این است که همه چیز در عالم مظهری از زیبایی خداوند متعال است و جهان جلوه‌های از ذات اوست.

با توجه به آن چه در حوزه زیبایی شناسی معماری ایرانی-اسلامی گفته شد سه نتیجه اساسی به دست می‌آید:

- در زیبا شناسی معماری ایرانی-اسلامی نباید تنها بر زیبایی صوری متمرکز بود و سایر مراتب زیبایی را نادیده گرفت. در حقیقت مجموعه مراتب زیبایی یک اثر باید علاوه بر ادراک حسی انسان و ابزار این ادراک، سایر قوای ادراکی او را نیز متأثر نموده و در واقع، علاوه بر ادراک حسی، ادراکات روانی و باطنی انسان نیز باید زیبایی اثر را به انسان القاء کنند.
- زیبایی باید بومی و ملی (برآمده از فرهنگ و جهان بینی جامعه) و به عبارت ساده با هویت باشد و به تعبیر دیگر هویتش با هویت جامعه هم‌مانگ باشد تا جامعه بهتر بتواند آن را درک و با آن ارتباط برقرار کرده و در اثر تماس با آن احساس هویت نماید. بزرگترین اشکال در تقلید از الگوهای بیگانه، ایجاد بحران هویت و از خود بیگانگی در جامعه است.
- مهمترین قسمت در حوزه زیباشناسی معماری این است که معیارهای مختلف مراتب زیبایی در دسترس و مورد شناخت طراحان و برنامه ریزان باشند تا امکان ارزیابی زیبایی و تعیین مرتبه آن و همچنین شناسایی ابعادی از زندگی انسان که با زیبایی در ارتباط هست ایجاد شود.



منابع

- [1] زهرا رهنورد. حکمت هنر اسلامی، چاپ اول، تهران، سازمان سمت، ص 77، 1387.
- [2] معین، محمد، لغتنامه، تهران، انتشارات امیر کبیر، 1350.
- [3] پاکزاد، جهانشاه، زیبایی شناسی در معماری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، 1388.
- [4] احمدی، بابک، حقیقت و زیبایی، تهران، نشر مرکز، چاپ دوم، 1375.
- [5] نقره کار، عبدالحمید، مبانی نظری معماری، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، 1389.
- [6] Alexander, c ; s . ishakawa and M.silverstein , a pattern language – towns T building , construction ,new york , oxford university press.1977.
- [7] بورکهارت، تیتوس.، هنر مقدس، ترجمه جلال ستاری چاپ اول، تهران، سروش، 1369.
- [8] wikimedia.org
- [9] رئیس زاده، مهناز، احیاء هنرهای از یادرفته مبانی معماری سنتی در ایران به روایت حسین لرزاده، تهران، انتشارات مولی، 1389.
- [10] ابوالقاسمی، محمدرضا، مبانی زیبایی شناسی، تهران، دانشگاه تهران، 1391.
- [11] اعوانی، غلام رضا، نشریه همایش بین المللی معنای زیبایی، شماره 2، تهران، فرهنگستان هنر، 1380.
- [12] <http://bersom.com>
- [13] <http://nagsh.ir>
- [14] هیلن براند، رابرت، ترجمه ایرج اعتصام، معماری اسلامی، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، 1377.
- [15] دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1338.
- [16] نقی زاده، محمد، رابطه هویت سنت معماری ایران با مدرنیسم و نوگرایی، تهران، مجله هنر های زیبا، شماره 7، تابستان، 1379.
- [17] اشرف، احمد، هویت ایرانی، گفتگو (ویژه ایرانی بودن)، مجله فرهنگی واجتماعی دانشگاه تهران، ش 3، صص 27-35، 1372.
- [18] خزایی، محمد، نمادگرایی در هنر اسلامی، مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی، تهران، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، 1382.